

ادامه از صفحه ۵

آیا پتروشیمی صنعتی اشتغال زاست؟

یعنی تولیدات پتروشیمی استخوان بندی صادرات غیرنفتی کشور هستند که در مواقع حساس لنگر سکون شاخص بازار بورس و مهاکننده نوسان و ریزش سهام بوده‌اند.
ارز حاصل از صادرات آنها حافظ ثبات قیمت ارز بوده و عرضه داخلی محصولات آنها پناه ارز بوده و عرضه داخلی محصولات آنها پناه اقتصاد مقاومتی و تولیدمحور داخلی برای جبران نیازهای اساسی کشور (از تولید ظروف مایحتاج روزمره و دودستی تا قطعات خودرو و ...) است.
ولی انتظار از اشتغال‌زایی به نکته طرفی به نام «صنایع پایین‌دستی» و تمایز آن از «صنعت بالادست پتروشیمی» برمی‌گردد.
اگر صنایع پتروشیمی بالادست که عرفا به نام صنعت پتروشیمی شناخته می شود اشتغال‌زا بود، باید تأثیرات آن احساس می‌شد.

تنها حدود پنج درصد از متانول کشور در صنایع داخلی به مصرف می‌رسد و ۹۵ درصد باقیی صادر می‌شود.

با احداث واحدهای جدیدی چون پتروشیمی مرجان در عسلویه و ... این عدد احتمالا به سه درصد کاهش خواهد یافت.
بنابراین مواد پتروشیمی کافی در کشور تولید می‌شود. پس چرا به اشتغال گسترده نینجامیده است.
دلیل آن این است که زنجیره ارزش این محصول از تولید فرمالدئید، سپس چسب MDF و رزین‌ها و چسب‌ها ادامه یافته و به تولید انواع چسب‌هایی با کاربرد تولید ورق‌های تریپنی، نساجی، تولید کاغذ، پارچه‌های ضد چروک، فرآورده‌های کتان، ربون و ... منجر می‌شود.
همچنین این زنجیره برای تولید اسفنج‌های افشانه‌ای و ختنه‌های سه لایه، قفسه‌سازی، سیستم‌های پله و سایر مبلمان منزل استفاده می‌شود.

یعنی زنجیره مصرف متانول برای ساخت رزین‌هایی مصرف می‌شود که در برابر آب مقاوم هستند و به‌عنوان رزین‌های کاغذ اشباع، در کنپوش‌های لمینت و پوشش‌های شفاف برای تومبیل کاربرد دارند.

در صنعت نساجی نیز به رنگ‌ها و رنگ‌دانه‌ها افزوده می‌شود. در صنعت خودرو برای تولید اجزای اصلی خودروها از محصولات مبتنی بر فرمالدئید استفاده می‌شود و بسیاری دیگر که از حوصله خارج است.
در یک نگاه کارشناسی می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که مواد اولیه کافی در بسیاری از تولیدات پتروشیمی وجود دارد و باعث اشتغال بالا نشده است. (مثال مصرف تنها پنج‌درصد متانول تولیدی کشور)
زیرا ماهیت آن سرمایه‌بری و سرمایه‌سازی است و از بعد اشتغال، ظرفیت‌سازی هر میلیون تن متانول می‌تواند نهایتا به اشتغال ۵۰۰ نفر منجر شود.
آنچه مربوط به اشتغال گسترده است، به‌لحاظ زیرساخت نه در صنعت پتروشیمی که در وزارت صنعت، معدن و تجارت است.

قسمت اعظم محصولات پتروشیمی که در صنایع پایین‌دستی به مصرف می‌رسند در کشور به حد کافی تولید می‌عرضه می‌شوند.

بنابراین زنجیره در پتروشیمی به بلوغ لازم رسیده است و شاید به جرئت بتوان گفت جز در موارد معدودی، در تولید محصولات پایه هیچ‌گونه کمبودی وجود ندارد.

می‌توان مطلقا نتیجه گرفت که گره نبود اشتغال را باید نه در کرانه بالا و سرچشمه تولید (یعنی مجتمع‌های پتروشیمی) بلکه در فرایندهای بعدی آن جست.
اگرچه قیمت محصولات پتروشیمی عرضه‌شده در بورس کالای ایران پنج درصد بالاتر از نرخ‌های جهانی است و هزینه حمل، واردات و تعریف هم ندارد، ولی هنوز فضای کار برای جذب تولیدات پلیمری و پتروشیمیایی وجود دارد.
تفاوت دقیق بین صنعت بالادست و صنایع تکمیلی پتروشیمی، ظرفیتی است که با دقت در آن و شناسایی گره‌ها می‌توان به گشودن آنها اقدام کرد.

افزایش دانش فنی، گسترش مرادوات تجاری، رشد فرهنگ اشتغال، فعال شدن شهرک‌های صنعتی و صادرات کالاهای مصرفی راه حلی است که به نظر می‌رسد می‌تواند مورد توجه ویژه قرار گیرد و انتظار از مجتمع‌های پتروشیمی را باید به امکان آرزوآری و تثبیت بازار سرمایه محدود نمود و نه اینکه ادعاهای عجیب‌وغریب مطرح کرد.

ماحصل آنکه توان صنعت پتروشیمی را باید بیشتر در آرزوآری و در تأمین سرمایه و نقدینگی شرکت‌ها جست‌وجو کرد.

بدیهی است امکان گردش چرخ‌های صنعت که ماهیت و پویایی و رونق اقتصادی کشور هستند، به امکان تأمین مالی ارزی و ریالی بازار سرمایه و بازار بدهی ارتباط می‌یابد.
همان‌گونه که در سال گذشته هم اتفاق افتاد، تزریق ارز پتروشیمی‌ها از نوسانات بزرگ در این بازار ممانعت به عمل آورد و این فرایند و ثبات بازار از تعطیلی بسیاری از واحدهای صنعتی جلوگیری کرد.

به هر تقدیر انتظار تولید شغل به‌صورت مستقیم و آن‌گونه که برخی ادعا کرده‌اند، به هیچ روی قرین به صحت نیست.
رفع معضل بی‌کاری و خلق آن همه شغل (چنان‌که ادعا شده است) از سوی صنعت پتروشیمی، اساسا با ماهیت این صنعت سنخیتی ندارد.

ادامه از صفحه۵

چه سئالنی؟

مثلا اینکه یکی از نمایندگان محترم که ظاهرا متوجه تفاوت درصد و عدد مطلق نبودند، بعد از جلسه غیرعلنی مصاحبه و اعلام کردند وزیر عدد را اشتباه گفته و حرفش را پس گرفته و از این حرف‌ها. اما آقای وزیر گفته بود ۳۰۲ میلیون نفر بی‌کار داریم که نسبت به ۲۵ میلیون جمعیت فعال، می‌شود ۱۲،۴ درصد. ایشان هم گفتند وزیر گفته ۳۰۲ درصد. ظاهرا فرق درص و عدد مطلق را متوجه نبوده‌اند. مسئله من بحث‌های سیاسی مرسوم نیست. مسئله این است که باید کوشش کنیم اجماع در مواجهه با حل مسائل اصلی کشور ایجاد شود و این نوال بخورده‌ها به این کار کمکی نمی‌کند و ما را در تله رفتارهای خفیف و محاجه‌کردن‌های انحرافی می‌اندازد.

ک مشخصات برنامه ویژه اشتغال دولت چیست؟

رویکرد جدید و متعلقاتش پیچیده و چندلایه است، وجهی که می‌توانم اینجا بگویم این است که از مسیر وام صرف و ایجاد کارخانه به سبک مرسوم نیست.
دقتی وام تکلیفی پرداخت می‌شود. بخشی از دولت درگیر این می‌شود که این وام تکلیفی به چه کسی پرداخت شود و این یعنی در ایجاد بنگاه، دولت نقش آفرینی و در کار بخش خصوصی دخالت می‌کند.
درحالی‌که نقش دولت نباید دخالت‌کردن باشد. دولت می‌تواند برای بسترسازی و فرصت‌سازی برای بخش خصوصی و رفع گلوگاه‌های توسعه بخش خصوصی در رشته‌های مختلف مداخله کند. بدون ورود به لایه‌های پیچیده قضیه عرض می‌کنم، در این برنامه، نقش دولت به جای وام و مجوزدادن، طراحی سازوکار است.
نه‌فقط سازوکار فراگیر ملی، بلکه سازوکارهای اختصاصی برای رشته‌های پرظرفیت برای ایجاد ارزش‌افزوده و اشتغال با هم.
مطالعه کرده‌ایم و دقیقا می‌دانیم چه رشته‌هایی در کشور مزیت دارد و در وضعیت فعلی هم می‌تواند ارزش‌افزوده ایجاد کند و هم اشتغال.

ک مثل؟

مثل IT، گردشگری و پوشاک.
منتها نوع ورود به اینها از جنسی نیست که به آنها وام دهیم.
بدیهی است که وام همیشه بخشی از ابزار کار است اما اینکه تمرکز کنیم بر قسمت کوچکی از کار که اصل مسئله نیست، کل سیستم را به اشتباه می‌برد. ما بر سازوکار ایجادکردن و نهادسازی تاکید می‌کنیم.
به‌عنوان مثال در صنعت پوشاک همین الان با همکاری وزارت صنعت و با محوریت بخش خصوصی تعداد درخورتوجهی از واحدها را به بازار جهانی متصل کرده‌ایم و براساس قرارداد با شرکت‌های صاحب برند، تولیدکننده داخلی تولید می‌کند و به شرکت صاحب برند خارجی می‌فروشد.
نهادی به نام مرکز توسعه تکنولوژی و اتصال به بازار ایجاد شده است. این یک نهاد است، در آن آموزش، استاندارددسازی، ارتقای کیفی، اتصال با شرکت‌های صاحب برند، بهبود استانداردهای شغلی و... اتفاق می‌افتد.
واحدهای تولیدکننده‌ای که به این شبکه‌ها وصل می‌شوند، از ما وام نمی‌خواهند. واحدهایی هستند که خیلی وقت‌ها موجود هستند و با یک‌سوم ظرفیت کار می‌کنند.
واحدی با ۹۰ نفر ماه گذشته قرارداد بسته و ۱۷۰۰۰ نفر با این قرارداد به تعداد پرسنلشان اضافه می‌شود.
در سال ۹۶ ایجاد حداقل ۸۰۰ هزار اشتغال فقط در حوزه حوزہ هدف‌گذاری شده است. رسیدن به ۵۰۰ میلیون دلار قرارداد در این بخش یعنی ۳۷۰ هزار اشتغال.

ک شما صرفا با سرمایه‌گذار خارجی پیوند برقرار می‌کنید؟

این می‌شود گام اول. برای اینکه پیوند برقرار شود باید استانداردهای تولیدی ارتقا پیدا کند.
کیفیت مدیریتی و مسائل دیگر هم باید انجام شود. وقتی این قرارداد بسته شد و تولید افزایش پیدا کرد، برای اینکه تداوم داشته باشند، فرض کنید برای خرید مواد اولیه نیازمند وام است، کمک می‌کنیم تا وام بگیرد اما مطمئنم این وام در جهت درست خرج شود. نه اینکه سیستم بانکی ما وام را با استسهال‌کردن به بدسکار خودش بدهد.
این کار منجر به بهبود وضعیت تولید و اشتغال جدید نمی‌شود. بخش عمده منابع ما در یکی، دو سال اخیر به این منوال هزینه شده. در صنعت فرش، انستیتوی فرش را در مشهد ایجاد کردیم. به کسی وام نمی‌دهیم، بلکه افراد آموزش می‌بینند یا کارگر ما هر می‌شوند یا برای خودشان کارگاه باز می‌کنند و حالا که می‌خواهند فعالیت کنند نیازمند وام هستند.
در حوزه IT درکردستان انستیتوی گیم ایجاد کرده‌ایم. یک تولیدکننده گیم در اینجا، یکی از بازی‌هایش را به ۷۰ کشور فروخته.
در کام اول به کسی وام نداده‌ایم. کار که شکل می‌گیرد، وقتی فعالیت بزرگ می‌شود، کار منطقی و عقلانی این است که از منابع بانکی هم استفاده کنیم. به نظر می‌رسد در کشور امر مشته شده که کسب‌وکار یعنی وام‌گرفتن یا حمایت از کسب‌وکار یعنی وام‌دادن، درحالی‌که این‌طور نیست و وام آخرین مسئله است.
این یعنی نظام اجرایی ما با سازوکار لازم برای توسعه کسب‌وکار و اشتغال آشنا نیست. ما به صورت الگو در چند صنعت این کار را انجام داده‌ایم که جا بيفتد و حالا باید تکرار شود و در کشور گسترش یابد.
این در طرف تقاضای بازار کار است. اما در طرف عرضه نیروی کار ایجاد نهادهای آموزشی مرتبط و جهت‌دهی نهادهای موجود به آموزش در تطابق با نیازهای روز اقتصاد و کسب‌وکار مهم است.
تشویق و حمایت از جذب نیروی کار جوان، فارغ‌التحصیل دانشگاه و همین‌طور اشتغال متناسب زنان مهم هستند. یکی از کشور امر مشته شده که کسب‌وکار یعنی وام‌گرفتن یا حمایت از کسب‌وکار یعنی وام‌دادن، درحالی‌که این‌طور نیست و وام آخرین مسئله است.
این یعنی نظام اجرایی ما با سازوکار لازم برای توسعه کسب‌وکار و اشتغال آشنا نیست. ما به صورت الگو در چند صنعت این کار را انجام داده‌ایم که جا بيفتد و حالا باید تکرار شود و در کشور گسترش یابد.
این در طرف تقاضای بازار کار است. اما در طرف عرضه نیروی کار ایجاد نهادهای آموزشی مرتبط و جهت‌دهی نهادهای موجود به آموزش در تطابق با نیازهای روز اقتصاد و کسب‌وکار مهم است.
تشویق و حمایت از جذب نیروی کار جوان، فارغ‌التحصیل دانشگاه و همین‌طور اشتغال متناسب زنان مهم هستند. یکی از

وارد بازار کار شوند و به استخدام درآیند، دولت کل بیمه سهم کارفرما را مستقیما به کارفرما پرداخت می‌کند.
این یعنی فعال‌سازی طرف عرضه و تقاضا برای ایجاد اشتغال جدید. یعنی از یک طرف کیک اقتصاد رسته‌های پرارزش و اشتغال را بزرگ می‌کنیم و از طرف دیگر کمک می‌کنیم نیروی کار وارد بنگاه‌های کسب‌وکار شود.

ک الگوبرداری‌تان برای این طرح از کدام کشورها بود؟

ایسن تجربه دنیاست؛ برگرفته از تجارب کوچک و بزرگ کشورهای مختلف از جمله خودمان است.
به نظر می‌رسد تا حالا به خوبی از این تجارب استفاده نکرده‌ایم. کشورهای متعددی در جاهای مختلف بخشی از این تجارب را دارند و ما به‌عنوان دانش جهانی از آن استفاده می‌کنیم.
ضمن اینکه خبرگان باتجربه داخل کشور هم به این جمع‌بندی رسیده‌اند. وقتی این موضوعات را مطرح می‌کنیم بخش عده‌ای از مسئولان کشور با این بحث‌ها موافق هستند و مخالفتی وجود ندارد، منتها بحث این است که چگونه این امر به زبان مشترک نظام اجرایی تبدیل و اجرا شود.
بدیهی است که مقاومت سیستمی وجود داشته باشد. در کشور به تکرار تجربه شده که وام داده‌ایم ولی اتفاقی نیفتاده. اما نظام اجرایی باید مجهز به این باشد که گام بعدی را در اجرا بطور بردارد.
اینهایی که مثال زدم، در لایه خرد بود. در لایه میانی، در برنامه سوم توسعه کشور درباره نظام جامع اطلاعات بازار کار صحبت شده اما تا به حال کسی آن را اجرا نکرده بود و در برنامه چهارم و پنجم به آن اشاره نشد.
احساس کردیم برای سیاست‌گذاری در حوزه اشتغال نیازمند چنین نظامی هستیم.
بنابراین در حال راه‌اندازی نظام جامع تحلیل اطلاعات هستیم و اولین گزارش‌ها بهار آماده خواهد شد.
تعداد کارشناس در دنیا در این زمینه شاید کمتر از ۱۰ کارشناس خوب و خبره باشد که برای راه‌اندازی چنین سیستمی آماده باشند. یکی از کارشناسان را بعد از مصاحبه‌های متعدد دعوت کردیم.

ک باز هم گاهی به نقدها داشته باشیم. آقای زاکانی مطرح کرده‌اند در دوره آقای روحانی تعداد کودکان کار افزایش پیدا کرده است. این صحت دارد؟

این گفته به‌هیچ‌وجه موضوعیت ندارد و ایشان هم یقینا مبتنی بر داده رسمی‌ای سخن نگفته‌اند.
در غیر این صورت عدد اعلام می‌کردند. هرکسی می‌تواند ادعایی کند، اگر ایشان داده‌ای از مرجع رسمی دارند بیایند بحث کنند. اگر هم به صورت کلی داوری می‌شود، هرکسی می‌تواند این داوری را انجام دهد.
آنچه در این سال‌ها اتفاق افتاده آسیب‌های اجتماعی جدی‌ای بوده که حاصل سوءمدیریت در سال‌های گذشته بوده. گاهی بزرگواران یادشان می‌رود رکود تورمی را در کشور باعث شدند که حاصلش آسیب‌های اجتماعی بوده.
اینکه بلافاصله بعد از اینکه دولت، مسئولیتی را قبول کرد، نتوانسته با یک کلید یا آمبول همه مسائل را حل کند، بدیهی است. با وجود همه ادعاهایی که در دوره‌های انتخاباتی مشاهده می‌کنیم، واقعیت این است که عملا با هیچ آمبولی نمی‌شود خسراتی را که به‌ویژه در دوره دوم دولت گذشته از نظر اقتصادی

اتفاق افتاد به سادگی جبران کرد. اما من مایلیم سؤالی را اینجا طرح کنم. برای کاهش کودکان خیابانی نیاز به نهاد، سازوکار و روش داریم. چرا شورای ساماندهی کودکان کار و خیابانی در دولت گذشته کلا تعطیل بود و حتی یک جلسه هم نداشت و در آن دوره بزرگوارانی مثل جناب آقای زاکانی واکنشی نداشتند؟
در این دولت فقط یک اقدام در این زمینه این بوده که چنده هزار نفر از کودکان کار به مدرسه بازگردانده شده‌اند.

آیا برنامه خاصی از جانب دولت در زمینه اشتغال وجود دارد؟

در هفته اولی که دولت در ابتدای سال تشکیل جلسه داد، بسته برنامه ویژه اشتغال را که از قبل در موردش کار کرده بودیم و مبتنی بر رشد اشتغال‌زا و در تطابق کامل با امر تولید- اشتغال بود، نهایی کردیم و کلیات به تصویب رسید.
این برنامه در ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی و دبیرخانه شورای اشتغال مطرح و روی آن کار شد.
امسال کوشش می‌کنیم این برنامه را تحت عنوان برنامه ویژه اشتغال اجرایی کنیم. فرض ما این است که در چارچوب منطقی از قبل پیش‌بینی‌شده در قالب برنامه ششم و بودجه ۹۶، ذیل بحث اقتصاد مقاومتی، برنامه این است که باید ۹۸۰ هزار اشتغال ایجاد کنیم تا بتوانیم ۰،۸ درصد کاهش نرخ بی‌کاری تصویب‌شده در برنامه ششم توسعه را با هدف تکررقمی کردن بی‌کاری تا پایان

اقتصاد

مثل برخی یک‌شبه نمی‌توانیم انبوهی شغل ایجاد کنیم

ک این رویه شبیه همان بحثی است که خیلی به آن انتقاد می‌شود: اینکه شرط پذیرش این افراد یک دوره کارورزی است که تا اینجا مشکلی ندارد؛ اما در مرحله اجرا، کارفرما تمایل دارد از معافیت استفاده کند و نیروی کار فارغ‌التحصیل را جذب می‌کند و کسی را که قبلا شاغل بوده، کنار می‌گذارد و این رویه می‌تواند ادامه داشته باشد.

به همین دلیل، در آیین‌نامه‌ای که تنظیم شده، اینها را به دلیل تجربه پایلوت لحاظ می‌کنیم؛ یعنی کارگاه‌ها مشروط بر اینکه نیروی کار خودشان را تعدیل نکنند، مشمول این قاعده می‌شوند.
مشروط بر اینکه تعداد بیمه‌شدگان آنها کاهش پیدا نکند و این نوال بعد هم کاهش ندهند وگرنه از شمول آن خارج می‌شوند.
هر قانون یا مقررات جدیدی که بخواهید اجرا کنید، این ملاحظات باید لحاظ شود؛ وگرنه از این اشتباهات زیاد اتفاق می‌افتد.

ک در طرح استاد- شاگردی هم این اتفاق افتاده بود...

می‌تواند اتفاق بیفتد. پس باید ضوابط کنترلی را از قبل پیش‌بینی کرد. مثلا در بحث بنگاه‌هایی که کمتر از پنج نفر بودند، این تجربه وجود داشت. وقتی می‌گویید بنگاه کمتر از پنج نفر غیرمستقیم، می‌گویید بنگاه بالای پنج نفر، کمتر از پنج نفر شو تا مشمول این رویه شوی.
جهت‌گیری‌ها و ریزه‌کاری‌های کار در مقررات، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها باید از قبل دیده شود تا مشکلی پیش نیاید.

ک کسی که جذب می‌شود، با شروطی مواجه است. جز مشوق معافیت بیمه‌ای، بحث پرداخت حدود دوسوم حداقل حقوق از سوی کارفرما هم در این طرح اجرا می‌شود؟

بله؛ در نظر گرفته شده.
آنچه به صورت پایلوت انجام شده بود، به ازای هر نفر نیروی کار ۲۰۰ هزار تومان حقوق پرداخت می‌کردیم و فرض ما این بود که در دوره کارورزی، کارفرما مابقی را پرداخت کند.
این تجربیات از قبل در مرحله پایلوت وجود داشت و این ملاحظات لحاظ شده است.

ک دقیقا قرار است چه اتفاقی بیفتد؟ فردی که استخدام می‌شود به چه صورت حقوق دریافت خواهد کرد؟

حقوق در دوره کارورزی بیشتر از جنس توصیه‌ای و توافقی است. حداقلی را دولت و بخشی را کارفرما به صورت توافقی پرداخت می‌کند و مشمول حمایت بیمه‌ای از نوع بیمه حوادث می‌شود.
در واقع نیروی کاری نمی‌تواند وارد کار شود بدون اینکه پوشش بیمه‌ای داشته باشد؛ اما در دوره جذب، باید قرارداد رسمی وجود داشته باشد. به روال رسمی، کارفرما موظف است قرارداد ببندد منتها از بیمه سهم کارفرما معاف است.

ک شما در بخشی از صحبت‌های خود به این اشاره کردید که دولت باید به سستمی برود تا اشتغالی که ایجاد می‌کند با توجه به تعداد فارغ‌التحصیلان، از نوع اشتغال با درآمد کم نباشد. اینجا این اتفاق می‌افتد؟
منظور من از مشاغل با درآمد پایین، بخشی از مشاغل غیررسمی هستند. خیلی وقت‌ها در بنگاه‌های خرد فرصت شغلی‌ای که ایجاد می‌شود، با درآمد پایین است؛ اما به نظر ما این فرصت که فراهم می‌شود و هزینه برای کارفرما کاهش پیدا می‌کند، تمایل برای جذب نیروی کار کیفی فراهم می‌شود یا شرکت‌هایی که درگیر مسئله نیاز به نیروی کار کیفی هستند، سراغ این طرح بروند.
در بنگاه خدماتی خیلی کوچک، شاید نیازمند به فارغ‌التحصیلان دانشگاه نباشد. بدیهی است، داستان، عرضه و تقاضاست؛ یعنی نیروی کار فارغ‌التحصیل دانشگاه هم هر کاری را نمی‌پذیرد.

ک برآوردی از میزان استقبال از این طرح دارید؟

استقبال زیاد است. نکته اینجاست که اول بنگاه‌ها بپذیرند که چنین نیرویی را جذب کنند.

ک احتمال این هدید که نپذیرند؟

شاید مسئله بخشی از بنگاه‌ها این موارد نباشد. بخشی از بنگاه‌ها درازمدت نگاه کنند و ممکن است تمایلی به اینکه قرارداد ببندند، نداشته باشند.
مثلا بنگاهی که ۱۰ نفر نیروی کار دارد، سالانه بیش از ۳۰ میلیون تومان باید هزینه بیمه این نفرات را بدهد و اگر این هزینه را کم کنیم، خیلی به چشم می‌آید؛ به این معنی که به لحاظ مالی، بنگاه برای مسئله جذب، رغبت ایجاد کرده‌ایم. اگر از این طرف برای نیروی کار هم مهم باشد که به چه کاری مشغول است، یا چه حقوقی دریافت می‌کند، عملا فرض ما این است که دو طرف به تعادل رسیده‌اند.
به نظر ما این امر تأثیر جدی بر بازار کار خواهد گذاشت. ویژگی این طرح آن است که کشور دوره رشدی را هم‌زمان شروع می‌کند و اگرچه بنگاه‌های کوچک در آن خیلی سهمیه نبوده‌اند اما این فضا به‌تدریج باز می‌شود. اگر عرضه نیروی کار را کمی تسهیل و کمک کنیم بنگاه‌ها راحت‌تر بتوانند جذبشان کنند، به نظر می‌رسد در بازار کار اثر جدی داشته باشد.
مایل نیستم تجربه خاصی را بگویم اما ارزیابی‌ای داریم که براساس عدد گذشته چقدر ظرفیت وجود دارد. این طرح، حداقل ظرفیت اشتغال در بین فارغ‌التحصیلان را یک‌سوم افزایش خواهد داد. یکی از مسئولان سازمان برنامه پیشنهاد داد که شما یک میلیون نفر در سال پیش‌بینی کنید و ما کمک می‌کنیم این اتفاق نیفتد.

ک رسیدن تا مرحله قرارداد توافقی است؟ سقفی

برای دوره آموزش تعیین کرده‌ای؟

بله به‌طور متوسط شش ماه تا یک سال است.

ک زمان زیادی نیست؟

پیشنهاد ما شش ماه است اما می‌توانند با هم توافق کنند. برای مرحله پایلوت جلسه داشتیم و این دوره شش ماه تا یک سال تعیین شد. ما بیشتر توجه به ادامه و تثبیت شغل داریم.

ادامه در صفحه ۱۹



علی، در توقف رستنی، شرق

برنامه داشته باشیم. با فرض اینکه سالانه ظرفیت برای ایجاد اشتغال وجود داشته، نیازمند آن هستیم که عدد متفاوتی از اشتغال را به روال جاری بیفزاییم. اگرچه برنامه‌هایی را که صحبت می‌کنیم، در سال‌های گذشته به‌ویژه سال ۹۵ به صورت پایلوت اجرا کرده‌ایم، امسال سعی می‌کنیم به صورت گسترده و عملیاتی آنها را به انجام برسانیم. این کار هم با استفاده حداکتری از ظرفیت‌ها و مبتنی بر قوانین علمی و تجربی است و هم از حداکثر ظرفیت کشور استفاده می‌شود.
این‌طور نیست که بخواهیم پول تقسیم کنیم یا مانند دوستانی که خیلی راحت می‌خواهند یک‌شبه عدد حجمیی از اشتغال را ایجاد کنند و معلوم نیست به چه صورتی چنین خواهند کرد، عمل کنیم.

ک شما در صحبت‌های خود به مقاومت سیستمی در مقابل برنامه‌های اشتغال اشاره کردید. از جانب گروه‌های خاصی این تفاوت نگاه وجود دارد و منجر به مقاومت می‌شود یا صرفا سیستم است؟

بدیهی است که عقیه مقاومت سیستمی، نظام فکری باشد اما شخص یا گروه خاصی این کار را انجام نمی‌دهد. نظام اجرایی کشور تمایل دارد قاعده‌ای را در می‌فهمد ادامه دهد. به‌عنوان مثال، آنچه درباره وام می‌گویم، حاصل یک نظام تأمین مالی در کشور است که یک‌سری ضوابط و قواعد دارد و همان‌ها را ارتکار می‌کند و بدیهی است که در مقابل تغییر مقاومت کنند.
با وجود اینکه مسئولان، به‌عنوان نمونه دکتر سین، به‌شدت به این نوع از بهبوددادن تمایل دارند اما چنین کاری به سرعت امکان‌پذیر نیست و آرام آرام باید اتفاق بیفتد. چون همه جای دنیا این‌طور است که سیستم موجود می‌خواهد همان روال گذشته را ادامه دهد. اما واقعیت این است که نظام اجرایی ما براساس قواعدی تنظیم شده که الان دیگر پاسخ‌گو نیست.
باید روشمندی جدید و ابزارهای جدید را به کار گرفت. در کل باید گفت در سطح نخبگان سیاسی ما این مسائل پذیرفته شده است. الان ما برنامه آموزش متخصصان و کارشناسان را در سال جاری برای پیاده‌سازی روش‌های جدید در دستور کار داریم که امسال آغاز می‌شود.

ک ممکن است برخی نخبگان در تیم اقتصادی متخاصم با این دیدگاه باشند؟

خیر. خوشبختانه الان این اجماع و تمایل بالا در نظام اجرایی وجود دارد. مسئله تبدیل این تگرش به فرایندهای اجرایی است که قواعد خودش را دارد و آغاز شده است.

در درباره مشوق بیمه‌ای کارفرمایی بگویید. یکی از دغدغه‌های بنگاه‌داران، مسئله بیمه کارگران است. آیا مشوقی در این زمینه در نظر گرفته‌اید؟

در برنامه ششم پیشنهاد کردیم و پیش‌بینی شده‌که بنگاه‌ها یا کارفرمایی که نیروی فارغ‌التحصیل پس از گذراندن دوره کارورزی جذب کنند، مشمول حمایت بیمه‌ای سهم کارفرما می‌شوند.
با توجه به اینکه حجم عظیمی از واردشوندگان به بازار کار ما فارغ‌التحصیلان هستند، این ظرفیت خوبی ایجاد می‌کند، تا به لحاظ مهارتی و شاعل‌شدن، در بازار کار فرصتی برای این افراد ایجاد شود. مسئله‌ای که الان داریم، این است که بنا به نگاه‌های بلندمدتی که در کشور وجود داشت. اگر آموزش را به سه سطح ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان (متوسطه) تقسیم کنیم و بعد سطح آموزش عالی، ما جزء کشورهای بودیم که زودتر از کشورهای درحال‌توسعه به آموزش ابتدایی و میانی نظم دادیم. پس از انقلاب، به‌ویژه در دهه گذشته، رونقی در آموزش عالی ما شکل گرفت؛ اما در دهه اخیر بخش صنعت ما دچار افول شد و روند رشدی را که داشت، از دست داد. این امر باعث شد فارغ‌التحصیلانی که آموزش داده بودیم تا در صنعت در سطح آموزش عالی کار کنند، نتوانند جذب بازار کار شوند و عدم تعادل شکل گرفت.
این یکی از نکات مثبت است که این اجماع در کشور ایجاد شد تا کمک کنیم این تعادل ایجاد شود و فارغ‌التحصیلان در بنگاه‌های کسب‌وکار (طرف تقاضا) جذب شوند.
درعین‌حال می‌دانیم اینها مهارت لازم را ندارند؛ پس مشروط شده به اینکه اینها حتما یک دوره کارورزی بگذرانند. از سال گذشته در هشت استان بحث کارورزی را به صورت پایلوت اجرا کردیم و سامانه مشخصی دارد. بحث‌های بیمه‌ای و پرداخت بخشی از دستمزد حداقلی را داشتیم. سامانه الکترونیکی آن هم کار می‌کند و می‌توانیم این کار را در کل کشور اشاعه دهیم. ضمن اینکه بحث معافیت می‌تواند به‌شدت کمک کند.